

باید و شد همه اصحاب صدقات آوردند و علیه بن زید رضی الله عنه
 یا ایشان در آن رسول صلی الله علیه وسلم نظر کردند و بگفتند که این
 فرمود که این المقصد بوضوح الباری یعنی کجاست آنست که دو ششینه
 خود را صدقه نمیکرد و بگفتند که جواب نه داد باز فرمود که این المقصد بوضوح
 الباری نه کسی است که جواب نه داد علیه بن زید برخواست و گفت آن
 من فرمود که قبله الله جنگ سه بار **یا ایها الذین آمنوا** البوسریه در آن
 عهده گفته است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که زکوة با وضوح
 حافظت تمام یک شب کسی اند تا خبری از آن بگیرد و بر آن فرستد
 تا پیش رسول صلی الله علیه وسلم می برم گفت مرا بگذار که دیگر با زبان
 و این از آن سبب کردم که عیال مندر و محتاجم بروی رحم کردم و بگفتند
 چون باید کردم رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که ای ابوهریره ای
 نود و ششینه چه کرد گفت تا رسول الله بدر و مادر من فدای تو ما
 که عیال مندر و محتاجم بروی رحم کردم و ویران شدیم چون باید کردم
 رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که ای ابوهریره ایسیر تو دو ششینه چه کرد
 حال را باز گفتیم فرمود که دروغ میگویند و معاودت خواهد کرد

دیگر کین کردم و ویران شدیم و گفتیم گفته بودی که دیگر خود نگویم گفت
 مرا بگذار که ترا حکمتی تعلیم کنم که خدای تعالی ترایان نفع رساند گفته
 آن که هست گفت وقتی که پیام خود سیای آیه لکن سیی از اول
 و آخر بخوان که خدای تعالی برای تو حافظی سیای کند و شیطان تو
 نزدیک نیاید تا با ما در جوان باید کردم رسول صلی الله علیه وسلم
 فرمود که ای ابوهریره ایسیر تو دو ششینه چه کرد گفت که گفت که دیگر
 نیام و مرا حکمتی تعلیم کرد و گفت که خدای تعالی ترایان نفع خواهد
 رساند فرمود که آن که هست گفتیم گفت آیه لکن سیی الخوان بر روی
 فرست خود خدای تعالی برای تو حافظی سیای کند و شیطان ترا بگذار
 که نزدیک تو آید فرمود که بد رستی که رست گفت اما وی دروغ
 گویند دانستی که وی که بود گفت منی فرمود که وی شیطان بود
یا ایها الذین آمنوا البوسریه خدای رضی الله عنه گفته است که مرا
 مادر من بفرست تا با آن رسول صلی الله علیه وسلم خبری خوانم چون
 پیش من می آیدم و بنشیند روی من و فرمود که من استغنی اعناه
 و من استغنی اعناه و من استغنی اعناه و من استغنی اعناه و من استغنی اعناه

فرمود که ای ابوهریره ایسیر تو دو ششینه چه کرد
 گفت که خدای تعالی ترایان نفع رساند گفته
 آن که هست گفت وقتی که پیام خود سیای آیه لکن سیی از اول
 و آخر بخوان که خدای تعالی برای تو حافظی سیای کند و شیطان تو
 نزدیک نیاید تا با ما در جوان باید کردم رسول صلی الله علیه وسلم
 فرمود که ای ابوهریره ایسیر تو دو ششینه چه کرد گفت که گفت که دیگر
 نیام و مرا حکمتی تعلیم کرد و گفت که خدای تعالی ترایان نفع خواهد
 رساند فرمود که آن که هست گفتیم گفت آیه لکن سیی الخوان بر روی
 فرست خود خدای تعالی برای تو حافظی سیای کند و شیطان ترا بگذار
 که نزدیک تو آید فرمود که بد رستی که رست گفت اما وی دروغ
 گویند دانستی که وی که بود گفت منی فرمود که وی شیطان بود
یا ایها الذین آمنوا البوسریه خدای رضی الله عنه گفته است که مرا
 مادر من بفرست تا با آن رسول صلی الله علیه وسلم خبری خوانم چون
 پیش من می آیدم و بنشیند روی من و فرمود که من استغنی اعناه
 و من استغنی اعناه و من استغنی اعناه و من استغنی اعناه و من استغنی اعناه

دیگر کین کردم